

شوکه‌های برون‌زا به‌طور همزمان در بردارنده آمیزه‌ای از فرصت‌ها و تهدیدها هستند.

و بنابراین اگر ما از فرصت‌های ناشی از کرونا و تحریم و سقوط قیمت نفت هم آگاه باشیم و آنها را هم به اندازه تهدیدها جدی بگیریم، شاید ترکیب چیزهایی که اکنون به‌شدت منحوس به نظر می‌رسند بستری فراهم کند برای اینکه بتوانیم یک برون‌رفت عالمانه و مشارکت جویانه از این بحران‌ها از طریق دانایی‌های ارتقا یافته و سازه‌های ذهنی پذیرنده ابعاد اهمیت مشارکت مردم را داشته باشیم.

## مالیات از سپرده‌ها و خانه‌های خالی بگیرید



هم‌تندی‌ها و پیوندهای آنها را هم می‌بینید به وضوح مشاهده می‌کنید که چرا ما مدت‌ها چه در دولت قبلی و چه در این دولت که هر دو مسابقه برنامه‌گریزی با یکدیگر گذاشته‌اند می‌گفتیم بدون برنامه نمی‌توان با این مسائل برخورد کرد، نمی‌توان اولویت‌ها را منطقی انتخاب کرد.

به دلیل اینکه فقط در کادر برنامه است که می‌توانید ناهماهنگی‌های فاجعه‌ساز و پرخسارتی که در این کشور وجود دارد در همه عرصه‌های نظام تصمیم‌گیری و اجرا و همین‌طور موازی‌کاری‌ها و اتلاف منابع را حل و فصل کرد. وی گفت: به نظرم گزارش مرکز پژوهش‌ها از این نظر خیلی خوب نشان می‌دهد که چرا حتی به کسانی که از منظر تحلیل‌های سطح توسعه‌هم‌به‌ماجرای کرونا و مسائل جاری اقتصاد ایران نگاه می‌کنند ناگزیر هستیم روبرویی فراگیر و موثر با مساله فقر شکنندگی آور را در دستور کار قرار دهیم.

به غیر از محدودیت‌هایی که به شکل قابل قبولی در این گزارش مورد توجه قرار گرفته خدمت‌بزرگی که اینها کرده‌اند و امیدواریم کسانی که گوششان باید بشنود زودتر بشنود اینکه پیش‌بینی کرده‌اند فقط در اثر کرونا در سال جاری بین ۷.۵ تا ۱۱ درصد از ستانده کل اقتصاد از بین می‌رود. یک رشد منفی به این اندازه فقط از ناحیه کرونا ایجاد می‌شود.

با مفروضاتی که توضیح دادند فرض کردند اوضاع و احوال قیمت و درآمد حاصل از صدور نفت خیلی بهتر از آن باشد که اکنون در عمل مشاهده می‌شود و مفروضات دیگر.

ظرفیت تولید هم روبرو هستیم. به‌طور همزمان در عین حال که با تورم بسیار بالا که جزو پنج کشور بالاترین میزان تورم در دنیا محسوب می‌شویم قرار داریم به این دلیل و به دلایل دیگر با یک رکود عمیق همراه با نااطمینانی‌های فزاینده هم روبرو هستیم.

وی گفت: مساله بحران تقاضای موثر در همه عرصه‌ها در سطح افراد، خانوارها، بنگاه‌ها و دولت بیدار می‌کند که البته آن گزارش اینها را با جزئیات توضیح نداده اجمالاً روی بحران تقاضای موثر تأکید کرده و یک تمرکز ویژه‌ای هم روی این کرده که کرونا باعث شده حتی کسانی که وجوه انسانی وحشتناک فقر در ایران را نادیده می‌گرفتند و مانند آدم‌هایی که نمی‌دانم باید به چه تشبیه کرد می‌گفتند اگر فقرا قادر نیستند نیازهای حیاتی بقای خودشان را بخرند عیب ندارد اینها را صادر کنید؛ حتی کسانی که چنین توصیه‌هایی در گذشته می‌کردند هم اکنون اگر چنین توصیه‌ای کنند بیشتر اعتبار خودشان را از دست می‌دهند به اعتبار اینکه در گزارش تصریح می‌کند شیوع کرونا باعث شده حتی همسایگان ما که بزرگ‌ترین مشتریان بخش اعظم کالاهای صادراتی غیر نفتی بودند اکنون از ترس ملاحظات بهداشتی تجدید نظرهایی در آن زمینه هم انجام می‌دهند.

مومنی ادامه داد: نکته بسیار مهم دیگری که در این گزارش تصریح می‌کند اینکه اوضاع بنگاه‌های تولیدی و به ویژه بنگاه‌های کوچک و متوسط به‌شدت شکننده است.

زمانی که این محدودیت‌ها را ملاحظه می‌کنید و در

فرشاد مومنی که در یک نشست اینترنتی درباره اقتصاد پسا کرونا سخن می‌گفت، به تشریح گزارش‌های مرکز پژوهش‌های مجلس درباره ابعاد اقتصاد کلان شیوع کرونا پرداخت و گفت: با اینکه نقص‌های قابل‌اعتنایی هم در این گزارش مشاهده می‌شود اما امتیازهای مثبت آن بیشتر از نقص‌ها است.

استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی گفت: اولین نکته‌ای که در این گزارش مورد توجه قرار گرفته اینکه روی این مساله تأکید می‌گذارد که ایران پیش از کرونا هم اوضاع بسیار شکنندگی آوری داشت. بخش اندکی از آن به مساله تحریم‌های بازگشته و سقوط قیمت نفت مربوط می‌شد اما بخش بزرگ‌تر به خطاهای سیاستی فاجعه‌سازی که طی سه دهه گذشته برای ما حاصل شده است، بازمی‌گشت.

وی گفت: در این گزارش چندان وارد این بحث‌ها نمی‌شود به اشاره‌هایی بسنده می‌کند اما روی این مساله تأکید می‌کند و می‌گوید: «ما باید بفهمیم برای مواجهه با شرایطی که کرونا هم به گرفتاری‌های قبلی اضافه شده با هفت محدودیت مهم روبرو هستیم. اولی اینکه ما با بحران تشکیل سرمایه ثابت ناخالص روبرو هستیم و من اضافه می‌کنم در سال ۱۳۹۸ از این نظر ما با یک نقطه عطف در تاریخ پنجاه ساله اخیر اقتصادی روبرو شدیم و آن هم اینکه سرمایه‌گذاری‌های انجام شده به اندازه‌ای سقوط کرده که حتی قادر به جبران استهلاک‌ها هم نیست.

این بدین معنا است که ما با بحران تولید بالقوه و با سقوط

بدین معنا فرض کرده‌اند آن محدودیت‌ها و تحریم‌ها نباشند فقط در اثر کرونا یک چنین سقوطی در تولید ملی اتفاق خواهد افتاد و کسانی که باید حواسشان را جمع کنند باید به این نکته هم توجه داشته باشند که این سقوط روی پایه‌ای است که در عملکرد اقتصادی دو ساله گذشته ما چیزی حدود ۱۵ درصد اندازه اقتصاد قبلاً کوچک شده بود و روی این مقیاس کوچک است که باز یک سقوطی به این اندازه دوباره موضوعیت پیدامی کند.

وی گفت: نکته بسیار قابل اعتناء و قابل تقدیر دیگری که اینها مطرح کردند این است که نشان دادند فقط در اثر کرونا چیزی بین دو میلیون و هشتصد و هفتاد هزار نفر تا شش میلیون و چهارصد و سی و یک هزار نفر از شاغلان فعلی هم به واسطه کرونا در معرض از دست دادن شغل خودشان هستند. کاش مجال بود و ما می‌توانستیم با جزئیات خیلی بیشتر درباره معنی این مساله صحبت کنیم. متأسفانه زمانی که علم و حساسیت بایسته درباره توسعه و نابرابری‌های ناموجه وجود ندارد درباره جزئیاتش هم توجه لازم وجود ندارد.

خیلی‌ها از سر دلسوزی درباره ناهنجاری‌های اجتماعی و گسیختگی‌های اخلاقی غیرمتعارف در جامعه ما خیلی اظهار شکوه و شکایت می‌کنند. ما متفکران بزرگی در استاندارد آمریکا سن داریم که بررسی کردند و متوجه شدند بر خلاف تصور رایج که در کی صرفاً اقتصادی از مساله شغل ارایه می‌دهند، شغل برای حیات فردی و جمعی انسان‌ها چهارده کارکرد دارد که فقط سه تا از آنها جنبه اقتصادی دارد.

وجوه غیراقتصادی اشتغال و بیکاری از وجوه اقتصادی‌اش با ضریب اهمیت چندین برابر بیشتر است و تقریباً بزرگ‌ترین نیروی محرکه ناهنجاری‌های اجتماعی که کم و بیش در ایران مشاهده می‌شود بر خورد سهل انگارانه و غیر کارشناسانه‌ای است که درباره ابعاد اهمیت اشتغال وجود دارد.

مومنی ادامه داد: این گزارش می‌گوید در اثر کرونا ادامه زندگی بین سه تا شش و نیم میلیون خانوار در ایران با ماجرا روبه‌رو می‌شد در حالی که قبل از اینکه گزارش بیاید در گزارش‌های رسمی مطالعه‌هایی داریم که اندازه جمعیت فقیر جامعه ما برآوردهایی تا نزدیکی‌های ۴۰ درصد جمعیت دارد. وی گفت: مطالعات بسیار ارزشمندی در وزارت کار و امور اجتماعی شده که درباره نقش تحریم‌ها در اشتغال‌زدایی هم صحبت کرده است. در واقع در این گزارش روی ابعاد اشتغال‌زدایانه و تولیدزدایانه کرونا که بسیار قابل اعتناء هست صحبت شده است.

دعوت می‌کنم تا باب گفت‌وگوهای کارشناسی سطح بالا در مقیاس درون حکومت و با مردم در این باره باز شود. اینها فقط عوارض فقرزا و نابرابری است که در اثر کرونا با آن روبه‌رو خواهیم شد.

در وزارت کار، امور اجتماعی و غیره مطالعه‌هایی وجود دارند که نشان می‌دهند در موج قبلی تحریم‌ها که سال ۹۰ و ۹۱ کلید خورد فقط در سال ۹۰ و ۹۱ در اثر بازگشت تحریم‌ها حدود پنج میلیون نفر به فقر اضافه شده است.

برآوردهایی که در وزارت کار وجود دارد نشان می‌دهد دوباره در موج نقض برجام توسط آمریکا و برگشت دوباره تحریم‌ها هم فقط در سال اول چیزی حدود دو میلیون نفر دوباره به زیر خط فقر می‌افتند و این مسیر شکنندگی آور همچنان استمرار دارد و هر سال که جلوتر می‌رویم بدتر می‌شود. مهم‌ترین نکته‌ای که در مطالعه‌های قبلی وزارت کار درباره آثار فقرزا و نابرابری وجود دارد وحشتناک‌ترین قسمت قضیه است اینکه فقر خوراکی که شدیدترین شکل شناخته شده فقر در دنیا است با یک آهنگ رشد نگران‌کننده‌ای افزوده می‌شود.

وی افزود: در این صورت زمانی که در اثر کرونا آن میزان افت تولید و اشتغال‌زدایی داشته باشیم طبیعتاً از این زاویه هم ماجرا خیلی پیچیده‌تر می‌شود. کار بسیار ارزشمند و مهم دیگری که در این گزارش صورت گرفته برجسته‌ترین نقایص و ضعف‌های بسیار نگران‌کننده نظام حمایت‌های اجتماعی در ایران هست.

در این گزارش نشان داده شده بخش بزرگی از جمعیت شاغل ما در بخش غیر رسمی فعال هستند و بنابراین آمارهای بسیار تکان‌دهنده‌ای از این قبیل در این گزارش آمده است؛ به‌طور مثال گفته شده ۶۹ درصد خانوارها در سال ۱۳۹۷ در ایران تحت پوشش بیمه‌های غیر درمانی اساساً قرار ندارد. بنابراین بخش بزرگی از حمایت‌های اجتماعی که دولت طراحی می‌کند و عموماً اصابتش به بخش‌های رسمی هست از اینها دریغ می‌شود.

فرشاد مومنی ادامه داد: یکی دیگر از داده‌های تکان‌دهنده‌ای که در این گزارش ذکر شده و نشان می‌دهد زمانی که اینها به توسعه، کیفیت اشتغال و رشد توجه نمی‌کنند چگونه فاجعه‌های انسانی و اجتماعی رقم می‌خورد.

در این گزارش گفته شده بیش از ۷۰ درصد اشتغال‌زایی‌هایی که در سال‌های اخیر شده در کارگاه‌های زیر پنج نفر اتفاق افتاده که بخش اعظم آنها هم در بخش غیر رسمی فعال هستند و بنابراین اشتغال‌های آنها به هیچ‌وجه اشتغال‌های با کیفیت که قادر به حل و فصل کردن مساله فقر باشد هم

نیست. تکان‌دهنده‌ترین آمار در این گزارش که باید سپاسگزار بزرگواری این دوستان باشیم اینکه می‌گوید در دهکی که از نظر درآمدی فقیرترین محسوب می‌شود ۷۸ درصد کسانی که در آن دهک قرار دارند و فقیرترین گروه اجتماعی هستند اگر هم شغل دارند در بخش غیر رسمی است.

بدین معنا به هیچ‌وجه حمایت‌های اجتماعی مشمول حالشان نمی‌شود. بنابراین روی مساله بحران پوشش بیمه‌های داده‌های بسیار قابل اعتنایی را مطرح کرده که به نظرم به واقع بینی در مواجهه با سیاست‌ها خیلی کمک می‌کند.

وی گفت: متأسفانه حتی در تبلیغات رسمی هم بی‌دقتی‌ها به این مسائل ملاحظه می‌کنید؛ به‌طور مثال مسوولان رسمی کشور که سخنگویی می‌کنند من نمی‌دانم با چه سطح از مطالعات اینگونه صحبت می‌کنند. به‌طور مثال می‌گویند مردم خیالشان راحت باشد که ما به اندازه کافی مواد غذایی وارد کرده‌ایم. صرف نظر از اینکه چرا به جای تقویت بنیه تولید داخلی همیشه ساده‌ترین راه را انتخاب می‌کنید حتی اگر به خاطر دقت و توجه از آنها تقدیر کنیم این حرف برای جمعیتی با این پوشش نه تنها اطمینان خاطر ایجاد نمی‌کند بلکه نفرت آفرینی می‌کند به دلیل اینکه ماجرای آنها این نیست که دسترسی به مواد غذایی از نظر وجودش در جامعه ندارند ماجرا اینکه قادر به تأمین مالی برای تهیه آن غذا نیستند. بنابراین اینکه وارد کرده‌اید تا حدودی ممنون هستیم ولیکن به هیچ‌وجه گره آنها را باز نمی‌کند.

مومنی ادامه داد: نکته بسیار مهم دیگری که وجود دارد اینکه زمانی که شما دهک‌های درآمدی را نگاه می‌کنید در این گزارش توضیح داده شده هر قدر شدت نیاز به حمایت‌های اجتماعی در جمعیت فقیر ایران بالاتر هست شدت پوشش بیمه‌ای کمتر است. این نشان می‌دهد ما با یک وضعیت بسیار خطیری روبه‌رو هستیم که باید به اندازه‌ای که اهمیت دارد به آن توجه شود.

نکته بسیار مهم دیگری که در ادامه مطالب در این گزارش آمده و ارزشمند تلقی می‌شود اینکه می‌گوید بخش اعظم کسانی که شغل خود را از دست می‌دهند اساساً بیمه نیستند که بگویید ما اینها را مشمول بیمه بیکاری می‌کنیم یا تخفیف بیمه‌ای به کارفرمایان می‌دهیم اگر اینها را اخراج نکنند.

به دلیل اینکه غیر رسمی هستند به تسهیلات مالی که دولت برای کمک به بنگاه‌های کوچک و متوسط قرار می‌دهد دسترسی پیدا نمی‌کنند. مساله اساسی‌تر اینکه همه کارهایی که دولت برای حمایت از حفظ مشاغل موجود می‌کند مشمول اینها نخواهد شد.

استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی گفت: آخرین نکته

بر اثر این شیوه ناعادلانه و ضدتوسعه‌ای قاعده‌گذاری وجود دارد یکی پس از دیگری اصلاح خواهد شد که باید شرح میسوط آن را در فرصت دیگری بگذاریم.

فقط برای اینکه ابعاد سالانه این سودی که پرداخت می‌شود و هیچ مالیاتی به آن تعلق نمی‌گیرد بخواهیم درک کنیم توجه کنیم این رقم تقریباً سالی سیصد و شصت هزار میلیارد تومان می‌شود که بسیار نزدیک به کل بودجه عمومی کشور است. به آن اندازه پتانسیل وجود دارد که به هر میزان دولت با لحاظ کردن سایر ملاحظه‌هایی که در یک برنامه توسعه‌گرا باید مورد توجه قرار بگیرد در اختیار داشته باشد.

وی گفت: مسوولان کشور را می‌ترساند که اگر دست به ترکیب این چیزها بگذارید سیستم بانکی به هم می‌ریزد، در حالی که اگر از درجه مساله نابرابری به این مساله نگاه کنید ملاحظه می‌فرمایید گزارش‌های رسمی می‌گوید ۸۵ درصد سپرده‌هایی که در سیستم بانکی وجود دارد به ۲٫۵ درصد کل سپرده‌گذاران تعلق دارد.

کانون اصلی نابرابری ناموجه فاجعه ساز در آنجا قرار دارد. چند وقت پیش من مطالعه‌ای دیدم که یکی از وزارتخانه‌ها تهیه کرده بود که در این زمینه خیلی تکان دهنده بود آن هم اینکه در چارچوب توزیع به‌شدت نابرابر سپرده‌ها در سه دهه گذشته بررسی‌های رسمی نشان داده بود بیش از ۹۰ درصد تسهیلات که سیستم بانکی پرداخت کرده منحصر به دهک ثروتمندترین افراد جامعه رسیده که سهم جمعیتی آنها از کل صاحبان حساب بانکی کمتر از ۶ درصد بوده است.

وی گفت: آن چیزی که خیلی تکان دهنده‌تر و خیلی قابل تأمل‌تر هست اینکه در آن گزارش تصریح شده بود حدود ۵۰ درصد خانوارهای ایرانی در این سه دهه هرگز قادر به استفاده از هیچ نوع تسهیلات بانکی نبوده‌اند.

اگر چنین افقی که وجود دارد و به نظر ما را از کشورهای صنعتی تمایز می‌کند. چند وقت پیش استیگلیتز مقاله‌ممتازی را نوشته بود و در آنجا نشان داد نسبت بدهی دولت به GDP آمریکا که پیشاکرونا حدود ۵ درصد بود که در تاریخ اقتصادی آمریکا گفته بود همین نسبت بی‌نظیر است فقط در چند ماهه به خاطر مسوولیت‌شناسی دولت نسبت به فرودستان و کسانی که غیر رسمی هستند و نادیده گرفته می‌شوند منابعی که دولت آمریکا خرج کرده باعث شده نسبت کسری مالی از ۵ درصد در عرض چند ماه به ۱۵ درصد برسد. توسط استیگلیتز برآورد شده بود اگر مرحله چهارم این پرداخت‌ها که از چند وقت دیگر شروع می‌شود استارت بخورد طبیعتاً این نسبت از آن هم بالاتر می‌رود.

وی گفت: ما می‌توانیم دستگیری توسعه‌گرا از فقر را از طریق

سپرده‌ها این است که با وجود اینکه بخش‌های بزرگی از سیستم بانکی تبعیت نمی‌کنند حتی اگر تبعیت هم کند حداقل بابت این باید بهره ۱۵ درصدی دریافت کنند که ما می‌دانیم متأسفانه به خاطر حاکمیت زدایی در بازار پول بر اثر برنامه تعدیل ساختاری بخش بزرگی از تصمیمات مقام پولی مورد اعتناء بانک‌ها به ویژه بانک‌های خصوصی قرار نمی‌گیرد.

اما محاسبه‌های ما بر اساس میانگین واقع بینانه از بهره‌ای که بابت این پول پرداخت می‌شود حکایت از این دارد زمانی که به آن رقم برسد سود ماهانه‌ای که به این سپرده‌ها تعلق می‌گیرد حدود سی هزار میلیارد تومان در ماه است. نکته کلیدی اینکه یکی از ضد توسعه‌ای‌ترین سیاست‌ها که کشور را به چنین وضعیت از نظر آقایی پول کشانیم و مساله تکان دهنده‌تر اینکه یک نظام پاداش‌دهی در چارچوب قوانین و مقررات تعریف شده که صاحبان این سپرده‌ها از پرداخت هر نوع مالیاتی هم معاف هستند.

مومنی گفت: بسیار غم‌انگیز است؛ به غیر از مطالعه‌هایی که ما کردیم و مطالعه‌هایی هم در درون وزارت اقتصاد وجود دارد که نشان داده معافیت سپرده‌های مدت‌دار سودشان از مالیات چقدر می‌تواند مضمون ضد توسعه‌ای و نابرابر ساز و فقر آفرین داشته باشد.

من داده‌های آن را آماده کرده بودم بر اساس مطالعه‌هایی که خودمان انجام دادیم ولی اکنون فقط به یکی از مطالعه‌های وزارت اقتصاد اشاره خواهم کرد تا بدانید ماجرا چه ابعادی دارد. مطالعه ما نشان می‌دهد این سود ماهانه سی هزار میلیارد تومان معادل پرداخت ماهی یک میلیون تومان به سی میلیون نفر است.

بنابراین چنین ظرفیتی وجود دارد و اگر ما یک بازنگری توسعه‌گرای عادلانه به نظام مالیاتی به‌شدت ضعیف کش و غیر مولد پرور داشته باشیم ابعاد ماجرا می‌تواند به گونه‌ای باشد که کرونا فرصتی شود تا خطاهای راهبردی که عمدتاً ناشی از تعارض منافع تسخیر شدگی تصمیم‌گیران در خدمت غیر مولدهای قرار گرفتن یا ندانستن آنها هست اصلاح شود. اگر اسلوب مالیات‌گیری ما در این کانال قرار بگیرد دولت می‌تواند به شیوه توسعه‌گرا کسب درآمد کند.

وی گفت: این شیوه نه دولت را مجبور می‌کند سیاست‌های مخرب و ضد توسعه‌ای کسب درآمد را به گونه‌ای که نتوکل‌اسیک‌های وطنی گفته‌اند دنبال کند تا بی‌ثباتی و نامنی‌دایم‌شدت ببخشد و فشارهای مافوق طاق‌فراستری به فقر اضافه کند و هم اینکه نابرابری‌های ناموجه را کاهش می‌دهد، آقایی پول را که کاهش می‌دهد انگیزه سرمایه‌گذاری مولد افزایش پیدا می‌کند و بسیاری بحران‌های زنجیره‌ای که

مهمی که در این گزارش ذکر شده، یکی از نقایص ساختاری مزمن نظام بودجه‌ریزی کشور هست، اینکه درآمدهای غیر قابل تحقق در سند بودجه که امسال به شکل اسفبار جنبه قانونی پیدا کرد، به ابعاد بی‌سابقه‌ای رسیده است.

اندازه‌ای که در این گزارش در این زمینه با ملاحظه‌ها و مفروضات بسیار خوشبینانه مطرح کرده است این است که می‌گوید کسری مالی ناشی از عدم تحقق‌ها در حد رقمی نزدیک به ۱۸۵ هزار میلیارد تومان داریم.

این آن چیزی هست من عرض کردم که برای ما امید ایجاد می‌کند اگر مساله را جدی بگیریم کرونا می‌تواند دربردارنده این فرصت باشد که ما با خطاهای سیاستی فاجعه‌آمیز و کارهایی که ناشی از تسخیر شدگی غیرعادی نظام تصمیم‌گیری به دست غیر مولدها است مواجه شویم.

وی گفت: متأسفانه با اینکه همه می‌فهمند دولت در این شرایط باید کاری انجام دهد وضعیت کنونی مالی دولت به گونه‌ای است که به نحوی آنها را مایوس می‌کند از اینکه واقعاً بتوان کاری کرد. ما برآورد کرده‌ایم که اگر یک سیستم حمایت اجتماعی فراگیر و کارا برای مواجهه و رویارویی صریح با مساله فقر شکنندگی آور غذایی پدیدار شود با چیزی حدود سی هزار میلیارد تومان قابلیت حل و فصل دارد.

در بحث‌های قبلی گفتم متأسفانه ماجرا این نیست که منابع در اختیار نداریم بلکه ماجرا اینکه بنیه اندیشه‌ای ضعیف در کنار تسخیر شدگی بخش‌هایی از نظام تصمیم‌گیری و تخصیص منابع اینها را ناتوان کرده از اینکه برای برون رفت از بحران فکری کنند و این وضعیتی است که برنامه فسادزا و وابستگی آور تعدیل ساختاری به جامعه ما تحمیل کرده است.

وی گفت: ماجرا این است که راه‌حلی‌هایی که اکنون طیف نتوکل‌اسیک‌های وطنی می‌دهند و مانند کل سی ساله گذشته توسط دولت‌ها با کوتاه نگری پذیرفته می‌شود. بدین معنا دولتی که به صورت نظام وار ملاحظه‌های دور مدت را قربانی ملاحظه‌های کوتاه نگرانه می‌کند آنها را می‌پسندد. رویه‌هایی که آنها توصیه می‌کنند درآمدهای فاجعه ساز

در حالی که کرونا به مثابه یک فرصت می‌تواند از این زاویه مورد توجه قرار بگیرد که به جای درآمدهای فاجعه‌ساز دولت را به سمت درآمدسازی‌های توسعه آفرین هدایت کنیم. اکنون ما مطالعه‌ای را در اختیار داریم که خیلی تکان دهنده است.

در این مطالعه پیش‌بینی شده تا پایان تابستان سال ۱۳۹۹ اندازه سپرده‌های سرمایه‌گذاری دور مدت بانکی از مرز دو هزار هزار میلیارد تومان عبور خواهد کرد. ویژگی مهم

اصلاح خطاهای فاجعه ساز و فساد آفرین در دستور کار قرار دهیم که در نظام قاعده‌گذاری مالیاتی کشور وجود دارد.

اکنون من برای شما مالیات بر سود سپرده‌های بانکی را مطرح کردم که چه فرصتی دارد ما به هر اندازه از سیصد و شصت هزار میلیارد تومان عایدی سالانه ناشی از سود بانکی مالیات بگیریم بدین معنا است که دولت درآمدی کسب می‌کند که هیچ ضربه‌ای به هیچ قسمت اداره اقتصاد نمی‌زند اما ده‌ها فایده کوچک و بزرگ دیگر دارد.

در آن مطالعه‌ای که در وزارت اقتصاد شده و من گوشه‌هایی را یادداشت کردم تا برای شما بگویم ولی متأسفانه مجبور هستم خیلی سریع فقط یک نمونه را بگویم. در آنجا تصریح شده که مالیات بر سود سپرده‌های آسان‌ترین و سهل‌الوصول‌ترین و غیر فسادزاترین نوع شناخته شده مالیات‌گیری در دنیا است که ما خودمان را از آن محروم کرده‌ایم.

محاسبه‌های گزارش معاونت امور اقتصادی در آبان ۱۳۹۶ می‌گوید حتی اگر یک مالیات تکلیفی ۵ درصدی با داده‌ها و اعداد و ارقام سال ۹۶ داشته باشیم دولت می‌تواند با فایده‌هایی که دارد حدود هفت هزار میلیارد تومان کسب درآمد کند.

بعد برای اینکه نسبت‌ها را خوب متوجه شوید به دلیل اینکه داده‌ها برای سال ۹۶ است و با اکنون متفاوت هست در آنجا می‌گوید هفت هزار میلیارد تومان در آن سال معادل دو برابر کل مالیات بر مشاغل و معادل ۸۱ درصد کل مالیات بر حقوق و سه برابر مالیات بر ثروت است.

اگر زمان بود من با جزئیات برای شما توضیح می‌دادم میزان مالیات بر ثروت در ایران به چه طرز فاجعه آمیزی اندک هست و آن علامت تسخیر شدگی را به وضوح نشان می‌دهد.

در گزارش‌هایی که وزارت اقتصاد در جاهای دیگر منتشر کرده و در دانشکده ما هم در این باره کار شده گفته شده اکنون نرخ ارز مبنای محاسبه حقوق ورودی کالاها و مصرفی و خودرو با همان استاندارد محاسبه می‌شود که برای کالاها اساسی در نظر گرفته شده است.

وی گفت: در فروشی که آنجا آورده‌ام و از نظر علمی بسیار قابل دفاع هست می‌گوید اگر فقط مبنای محاسبه حقوق ورودی کالاها مصرفی خودرو را در قسمت مالیات بر واردات اصلاح کنند برای سال ۱۳۹۹ برآورد شده دولت می‌تواند فقط چهارده هزار میلیارد تومان از این محل درآمد کسب کند که نه تنها محل توسعه و عدالت اجتماعی نیست بلکه بزرگ‌ترین نیروی محرکه تقویت انگیزه‌های تولیدی هم هست. عین این مساله در مورد مالیات بر خانه‌های خالی هم هست که به طرز فاجعه آمیزی سه بار به مجلس رفت و

برگشت خورد و همه اینها نشانه‌های قابل اعتناء است. مومنی تأکید کرد: فهرست خیلی طولانی دارد اینکه راه‌های کسب درآمد توسعه‌گرایی وجود دارد که من کارهایی انجام دادم و دیگر ذکر نکردم درباره رانته‌ها و معافیت‌های وحشتناکی که بنگاه‌های رانته معدنی از آن برخوردار هستند که برای خود ماجرای دارد و حکایت از این دارد اگر ما رانته خواری هفت لایه آن بنگاه‌ها را هم به سامان کنیم می‌تواند برای کشور ظرفیت‌های مالیاتی توسعه‌گرا و خارق‌العاده را بازگو کند.

من جمع‌بندی عریضم را اینگونه بیان می‌کنم که مساله فقر و نابرابری به ویژه با اضافه شدن کرونا به بحران‌های ناشی از تحریم، سقوط قیمت نفت و کژ کار کردی نهادهای سه دهه گذشته کشور افزوده شده است که یک مساله بسیار خطیر و حیاتی است و هزینه فرصت غفلت از آن می‌تواند برای کشور بسیار بالا باشد.

وی ادامه داد: ما مزیت داریم نسبت به کشورهایی که قبلاً نظام مالیاتی خود را کارآمد کردند که اکنون از این ظرفیت‌های توسعه‌گرا در جهت بازنگری بنیادی سیستم استفاده کنیم و ان شاء الله بتوانیم با کمترین هزینه و با توسعه‌گراترین و انسانی‌ترین شکل ممکن از این بحران عبور کنیم.

من صمیمانه عرض می‌کنم اگر این اتفاق‌ها بیفتد و باب‌های مفت خواری غیر متعارف بسته شود شاهد خواهید بود نه تنها بر کرونا غلبه می‌کنیم بلکه تحریم‌کنندگان ایران اگر بدانند تحریم آنها مانند کرونا باعث شده ما از ریل غلط اداره اقتصاد کشور روی ریل توسعه‌گرا بیفتیم تردید ندارم آنها در تحریم‌ها تجدیدنظر خواهند کرد و آنگاه ما می‌توانیم چشم‌انداز بسیار روشن‌تری را برای آینده کشور تصور کنیم.

مومنی گفت: از نیمه اول دهه ۱۹۸۰ به عنوان جمع‌بندی کل ذخیره دانایی موجود بشر در زمینه توسعه گفته شد که گام نخست برای برون‌رفت از بحران‌های فقر و عقب‌ماندگی و توسعه‌نیافتگی در کشورهای در حال توسعه این است که سیاست‌گذاران کشور تکلیف خود را با این مساله روشن کنند که کانون اصلی گرفتاری‌های خود را چه می‌دانند؟ آیا کمبود منابع اعم از ارز، ریل و منابع مادی است؛ یا نظام تصمیم‌گیری ناکارآمد و ایجادکننده ساختار نهادی کژ کار کرد ریشه‌های اصلی گرفتاری‌ها می‌دانند؟

استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی گفت: استریتین در جمع‌بندی خودش این مساله را برجسته کرد که برای مدت‌های طولانی در کشورهای در حال توسعه کانون اصلی بحران‌ها را کمبود منابع می‌دانستند در حالی که به تدریج و به صورت فزاینده و امروز تقریباً با اتفاق نظر عمومی گفته

می‌شود کانون اصلی ماجرا کاستی‌ها، ضعف‌ها و فقدان صلاحیت‌های بایسته در نظام تصمیم‌گیری‌های اساسی برای هر کشور است و اگر آنجا مشکل حل و فصل شود حتی اگر کشوری کمبود منابع هم داشته باشد با سر پنجه خرد و دانایی می‌تواند آن تنگنا را برطرف کنند در حالی که به قاعده تجربه‌های سرشار از غم و تأسف در کشورهای در حال توسعه و در غیاب یک نظام تصمیم‌گیری صاحب صلاحیت و کارآمد، وفور منابع شدت آسیب‌زندگی و شکنندگی آوری‌اش نسبت به دورانی که این کشورها با

تنگنای منابع روبه‌رو بودند به مراتب بیشتر بوده است. وی گفت: در مورد کشورهایی مثل ایران و سایر کشورهای صادرکننده نفت خام دیگر تردیدی وجود ندارد که کانون اصلی گرفتاری نظام تصمیم‌گیری ناکارآمد و ناشایسته است. به همین خاطر هست در کل دوره نزدیک به دو دهه‌ای که جلسات پنجاه‌گانه را برگزار می‌کنیم همواره روی این مساله تأکید کرده بودیم که صرف نظر از اینکه چه کسانی تصمیم‌گیرنده هستند، هر کس که دل در گروی نجات کشور و ارتقاء کیفیت زندگی مردم این سرزمین دارد باید بیشترین سهم از وجهه همت خودش را به ارتقاء بنیه دانایی نظام تصمیم و تخصیص منابع ملی مصرف کند.

وی گفت: در اینجا قسمت عرضه ماجرا یعنی نخبگان و متفکران و اندیشه‌ورزان مهم‌اند که چقدر انگیزه و باور به این مساله داشته باشند و هم اینکه اگر آنها تلاش کردند نظام تصمیم‌گیری به خاطر ویژگی‌های خاص خودش چقدر

آمادگی پذیرش این مساله را دارد. ولی آن چیزی که سهم ما هست اینکه فعلاً در گام نخست ارتقاء ظرفیت دانایی را در اولویت قرار دهیم. دلیل اینکه ما این موضوع را برای جلسه انتخاب کرده‌ایم این است که تقریباً شخصاً در مطالعاتی که طی دو ماهه گذشته داشتیم و تقریباً یافته‌های پژوهشی نزدیک به ده سازمان بین‌المللی مهم و تأثیرگذار را مورد بررسی قرار دادیم، یک اتفاق نظر بسیار شگفت‌انگیز در آن ماجرا و مطالعه‌ها مشاهده می‌شود و آن هم عبارت از اینکه تقریباً در سراسر جهان با اولویت کشورهای در حال توسعه و در میان کشورهای در حال توسعه در بالاترین سطح کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا در دوران پساکرونا آسیب‌پذیری آنها در مواجهه با جنبش‌ها و شورش‌های اجتماعی فراگیر فقیران و جنبش نان و چیزهایی از این قبیل قطعی است.

وی گفت: زمانی که شما به کارهای UNDP، بانک جهانی، ILO و از این قبیل نگاه می‌کنید و بحث‌های آنها را در این زمینه مطالعه می‌کنید ملاحظه می‌فرمایید در واقع



می‌گویند این خطر حتی برای کشورهایی که در پیشاکرونا چنین مساله حادی نداشته‌اند، موضوعیت دارد. بنابراین با توجه به اینکه ایران در دوران پیش از کرونا هم با انبوهی از بحران‌های کوچک و بزرگ دست به گریبان بوده و پیش از کرونا مساله تحریم‌ها هم به این ماجرا اضافه شد، به دنبال تحریم کرونا هم به این عوامل شدت بخش پیوسته طبیعتاً مساله فقر و نابرابری اگر به عنوان اولویت شماره یک در نظام تصمیم‌گیری و تخصیص منابع ملی قرار نگیرد ایران می‌تواند آینده بسیار تلخ و دردناکی را تجربه کند.

مومنی افزود: مساله اساسی و امید بخش اینکه در بررسی‌هایی که درباره شوک‌های برون‌زا مانند سقوط قیمت نفت یا تحریم یا تغییر اقلیم یا تحولات علمی فنی و از این قبیل شده و به کرونا هم تسری پیدا کرده روی این مساله تأکید می‌شود که شوک‌های برون‌زا به‌طور همزمان در برادرنده آمیزه‌ای از فرصت‌ها و تهدیدها هستند و بنابراین اگر ما از فرصت‌های ناشی از کرونا و تحریم و سقوط قیمت نفت هم آگاه باشیم و آنها را هم به اندازه تهدیدها جدی بگیریم، شاید ترکیب چیزهایی که اکنون به‌شدت منحوس به نظر می‌رسند بستری فراهم کند برای اینکه بتوانیم یک برون‌رفت عالمانه و مشارکت‌جویانه از این بحران‌ها از طریق دانایی‌های ارتقاء یافته و سازه‌های ذهنی پذیرنده ابعاد اهمیت مشارکت مردم را داشته باشیم.

این صاحب‌نظر اقتصاد ایران گفت: در گذشته من درباره مساله نابرابری مکرر صحبت و روی نابرابری‌های ناموجه تمرکز کردم و اینکه عدالت اجتماعی در واقع برنامه‌ای برای برون‌رفت از بحران‌سازی‌های نابرابری‌های ناموجه محسوب می‌شود.

در کتابی که در سال ۱۳۹۶ منتشر کردم با جزئیات در این زمینه بحث کردم. ادعای من از دیرباز تا امروز اینکه اگر نظام تصمیم‌گیری‌های اساسی ما درباره ابعاد اهمیت نابرابری‌های ناموجه و گستره و عمق شکنندگی‌آوری‌هایی که دارد آگاهی‌های خودشان را ارتقاء دهند بی‌گمان بسیاری از جهت‌گیری‌های سیاستی سهل‌انگارانه ما جای خودش را به جهت‌گیری‌های اصلاح‌شده‌ای می‌دهد که می‌تواند برای کشور آینده بسیار بهتری را رقم بزند.

وی گفت: در اینجا من برای اینکه ابعاد اهمیت این مساله مکشوف شود به یک تمثیل از یک متفکر بسیار بزرگ توسعه به نام جرارد هرینر که کانادایی هست استناد می‌کنم.

حرف او به اعتبار شرایط کنونی ایران الهام‌بخشی‌های خاص خود را دارد و می‌تواند کمک کار ارتقاء فهم ما از بایسته‌های شرایط کنونی کشور باشد. بحث در اوج بحران بدهی‌ها در

نیمه دوم دهه ۱۹۹۰ مطرح شده و متأسفانه کتابی که مقاله هرینر در آن قرار دارد به فارسی ترجمه نشده ولیکن اصل کتاب در کتابخانه دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه وجود دارد. در آنجا زمانی که فاجعه آفرینی‌های وحشتناک بحران بدهی‌ها را برای کشورهای در حال توسعه و به ویژه جمعیت فقیر و بی‌پناه آن کشورها توضیح می‌دهد روی دو نکته تأکید می‌کند که ما می‌توانیم آن دو نکته را درباره مساله نابرابری و فقر هم به مسوولان گرامی کشور و البته به اندیشه‌ورزان و معلمان و استادان گرامی گوشزد کنیم تا ان‌شاءالله همه ما به نحو بایسته‌ای در این زمینه برای خودمان مسوولیت تعریف کنیم.

وی گفت: هرینر می‌گوید: «اگر ابعاد فاجعه‌های انسانی، اجتماعی، محیط زیستی بدهی خارجی برای رهبران کشورهای در حال توسعه آشکار می‌شد من با اطمینان اظهار می‌کنم آنها برای مواجهه با کمبود منابع ارزی به هر سیاستی جز توسل به وام‌گیری خارجی متوسل می‌شدند.» این ماجرای دارد که باید در جای خودش درباره‌اش صحبت شود. نکته دومی که او در مقاله درخشان خودش مطرح می‌کند اینکه می‌گوید: «من مسلمان نیستم، از آموزه اسلامی هم اطلاعی ندارم اما شنیده‌ام که در آموزه اسلامی شدیدترین واکنش‌ها علیه مساله ربا و پرداخت بهره بابت وام‌ها وجود دارد. من به عنوان متخصص اقتصاد سیاسی بین‌المللی می‌گویم ارزش دارد که جهان به صورت آزمایشی مدتی همه وجوه دیگر اقتصاد اسلامی را هم بپذیرد فقط به اعتبار حساسیت‌های عمیق و خارق‌العاده‌ای که به مساله بهره و ربا در این رویکرد به مساله اقتصادی وجود دارد.»

وی گفت: من در ادامه بحث‌ها برای شما توضیح خواهم داد که مساله ربا و آنچه به عنوان سود بانکی در ایران مطرح هست یکی از بزرگ‌ترین کانون‌های باز تولیدکننده فقر و نابرابری است. بنابراین من می‌خواهم ادعا کنم اگر توصیه جرارد هرینر در ایران جدی گرفته شود و ما در این زمینه هم بازنگری و تجدید نظر اساسی داشته باشیم چشم‌اندازهای آینده کشور بسیار امیدوارکننده‌تر از آن چیزی خواهد بود که امروز با آن روبه‌رو هستیم.

بنابراین با الهام‌گیری از بحث او من این ادعا را مطرح می‌کنم که اگر مقامات و مسوولان کلیدی کشور درک و آگاهی بایسته‌ای از ابعاد فاجعه‌سازی‌های نابرابری‌های ناموجه و فقر می‌داشتند به یقین عبارتی که من در نهایت خضوع مطرح کردم، هیچ اولویتی در شرایط کنونی ایران بالاتر از طراحی برنامه‌ای برای حل و فصل نظام وار مساله فقر و نابرابری است قابل تصور نیست. مطالعه سازمان‌های بین‌المللی

برجسته و تخصصی هم درباره کرونا در مقیاس جهانی روی این مساله تمرکز و تأکید می‌گذارند.

مومنی ادامه داد: همه ما کم و بیش می‌دانیم هم به اعتبار اینکه ایران در منطقه آشوبناک خاورمیانه قرار دارد و هم اعتبار اینکه پیش از کرونا و تحریم هم چه از نظر گستره و عمق فقر و نابرابری و چه از نظر گرفتاری‌هایی که کشور از این ناحیه متحمل شده است، در این زمینه خیلی زود می‌توانیم به جمع‌بندی برسیم که هر کس می‌خواهد در ایران کمکی به آینده این سرزمین کند باید نظام تصمیم‌گیری و تخصیص منابع ما را برانگیزد به اینکه عالمانه و عمیق کار کنند و اولویت خودشان را حمله به همه عناصر و مولفه‌هایی قرار دهند که نابرابری‌های ناموجه را در ایران دامن می‌زند.

نابرابری‌های ناموجه هم به شرحی که توضیح خواهم داد مهم‌ترین پیامدش این است که بر گستره و فقر در این سرزمین می‌افزاید. اگر حساسیت بایسته در این زمینه پیدا می‌شد آنگاه دیگر این حد سیاست‌های سهل‌انگارانه تورم‌زا با توجیه‌های ناجور و برچسب‌های ناچسب در دستور کار قرار نمی‌گرفت، و این حد سیاست‌گذاری‌های سهل‌انگارانه در زمینه سیاست‌های تمهیق‌کننده رکود و گسترش‌دهنده بیکاری در دستور کار ما قرار نمی‌گرفت و به تعبیر هرینر آن موقع ما هر کاری انجام می‌دادیم الا اینکه تن به سیاست‌های تورم‌زا و اشتغال‌زدا دهیم.

اما در نهایت اجمال آن چیزی که اتفاق نظر در بین متفکران درباره‌اش وجود دارد اینکه هیچ عنصری در طول تاریخ بشر موثرتر از نابرابری‌های ناموجه در زمینه ایجاد سقوط همه‌جانبه کیفیت زندگی مردم شناخته نشده و در دوران مدرن گفته می‌شود هیچ عنصری به اندازه نابرابری‌های ناموجه استمراردهنده فقر و عقب ماندگی در کشورهای در حال توسعه نیست.

مومنی گفت: مهم‌ترین مساله‌ای که در اینجا ذکر می‌کنند اینکه می‌گویند نابرابری‌های ناموجه شناخته شده‌ترین عامل برای ایجاد بی‌ثباتی و خشونت و جرم زایی است. به اعتبار این ناپایداری‌هایی که نابرابری‌ها ایجاد می‌کنند از یکسو عدم اطمینان و ناامنی‌ها را در همه عرصه‌های حیات جمعی افزایش می‌دهند و از سوی دیگر منجر به سقوط انگیزه‌های سرمایه‌گذاری و در نتیجه سقوط بنیه تولید می‌شوند.

در ادبیات توسعه‌بازان‌های متفاوتی درباره این مساله توضیح داده می‌شود که چگونه نابرابری اهمیت حقوق مالکیت را به چالش می‌کشد، فعالیت‌های رانت‌جویانه و غیر مولدرا تشدید می‌کند و هر کدام از آنها یکی از عناصر و مولفه‌های کلیدی شکل‌دهنده به دورهای باطل توسعه نیافتگی هستند.

در سال‌های جدید به اعتبار رونق‌گیری نگرش‌های بین‌رشته‌ای یا فرارشته‌ای گفته می‌شود درست است عریان‌ترین فاجعه‌های نابرابری‌های ناموجه در زندگی اقتصادی مردم منعکس و مشاهده می‌شود اما آنها که عمیق‌تر هستند می‌دانند آثار و پیامدهای غیراقتصادی نابرابری مواجه به مراتب شکنندگی آور از وجه اقتصادی‌اش هست و شاید بتوان ادعا کرد خود آثار و پیامدهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی نابرابری‌های ناموجه هست که بیشترین نقش آفرینی‌ها را در به هم ریختگی‌های اقتصادی در کشورهای دنیا دارد.

وی گفت: در این زمینه مهم‌ترین مسأله‌ای که مطرح می‌کنند اینک می‌گویند هیچ عنصری به اندازه نابرابری‌های ناموجه نیروی محرکه نفرت و آشتی ناپذیری در جامعه‌ها نیست و به دنبال این مناسبات که اصل بر خشونت و ستیز و نفرت می‌گذارند آنگاه نتایج دیگری پدید می‌آید؛ به‌طور مثال می‌گویند در چارچوب این مناسبات کسی انگیزه همکاری ندارد و همه درصدد حذف همدیگر برمی‌آیند. به تعبیر آدام اسمیت چنین جامعه‌ای که در آن انگیزه‌های همکاری تضعیف شده باشد امکان بهره‌مندی از معجزه تقسیم کار و تخصصی شدن امور جامعه محروم می‌شود.

در چنین جامعه‌ای اعتماد اجتماعی زایل می‌شود، تعهد اجتماعی به حداقل می‌رسد، عزت نفس افراد تهدید می‌شود، امید به زندگی کاهشی پیدا می‌کند، کینه و حسد و نفرت افزایش پیدا می‌کند و از همه مهم‌تر نکته راهبردی است که از قول پال استریتن مطرح کردند.

بحث بر سر این است که حکومت‌ها زمانی که بحث از غذا، مسکن، دانش، آموزش و سلامت مردم می‌شود سهل‌انگاری و مسوولیت‌گریزی می‌کنند تحت عنوان اینکه پولی نداریم، اما زمانی که آثار و عوارض خشونت‌زای این مناسبات نابرابر ساز آشکار شد آنگاه مجبور می‌شوند همین منابعی که از مردم دریغ کردند هزینه کنند و اگر آن کار را انجام می‌دادند هم احساسات تعلق به جامعه افزایش پیدا می‌کرد، هم فاجعه‌ها منتفی می‌شود و هم معجزه همکاری و تقسیم کار اتفاق می‌افتد باید صرف سرکوب کنند.

استاد اقتصاد‌دانشگاه علامه طباطبایی گفت: متفکران بزرگ برندگان جایزه نوبل در زمینه اقتصاد که دستی در مطالعات توسعه دارند در این زمینه کارهای کمی بسیار ارزنده‌ای انجام دادند که شاید یکی از مشهورترین و البته دسترس‌ترین آنها به خاطر ترجمه شدن آثار این متفکر بزرگ کارهای جوزف استیگلیتز هست که نشان می‌دهد در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ این سیاست‌گذاران نابخرد در امریکای لاتین و آفریقا

بودند که برنامه تعدیل ساختاری را در دستور کار قرار دادند. اما زمانی که سیاست‌های نادرست آنها از طریق تورم زایی و اشتغال زدایی کارد را به استخوان مردم رساند و آنها سر به شورش و عصیان برداشتند حکومتگران در آن دو منطقه طریقه سرکوب را برگزیدند. استیگلیتز در مطالعه درخشان خودش نشان داد کسانی که می‌گفتند به مقدار اندک پول ندارند که به مدرسه‌ها، دانشگاه‌ها یا بیمارستان‌ها دهند در اینجا به‌طور متوسط در آن دو دهه و در آن دو منطقه سالانه بین شش تا هفت درصد تولید ناخالص داخلی خودشان را خرج سرکوب مردم کردند. پس بنابراین دور باطل نفرت پراکنی و خشونت و ورزی و باز تولید توسعه نیافتگی به شرحی که اشاره کردم از هیچ عاملی به اندازه نابرابری‌های ناموجه ناشی نمی‌شود.

وی گفت: اقتصادشناس‌های بزرگ در این زمینه بحث‌های بسیار عالی انجام دادند و با جزئیات توضیح دادند که چگونه نابرابری و به دنبال آن فقر نیروی محرکه تشدید تخریب محیط زیست می‌شود، نیروی محرکه تشدید بی‌ثباتی اقتصاد کلان می‌شود، کشور را بدهکار و وابسته به خارج می‌کند، برای اقلیتی دسترسی افراطی به کالاهای لوکس و تجملی ایجاد می‌کند در حالی که برای اکثریت بزرگی از جمعیت دسترسی به ابتدایی‌ترین نیازهای معطوف به بقاء را هم ناممکن می‌کنند، چگونه نرخ تشکیل سرمایه انسانی را کاهش می‌دهد، چگونه افزایش انصراف از تحصیل را در میان جمعیت فقیر دامن می‌زند، چگونه آهنگ رشد تولید را کند می‌کند و بنابراین وابستگی‌های ذلت آور به دنیای خارج را افزایش می‌دهد.

این صاحب نظر اقتصاد ایران نتیجه گرفت: یک مسأله حیاتی اینک اندیشه ورزان و خردورزان گرامی این سرزمین که دل در گروی نجات ما از این گرفتاری‌ها دارند باید به این نکته توجه داشته باشند که آگاهی‌های نظام تصمیم‌گیری را هم درباره ابعاد اهمیت نابرابری‌های موجه و فاجعه‌سازهای آن و هم درباره منشأها و هم درباره پیامدهای آن ارتقاء داد.

من در اینجا به ویژه درباره رابطه دین و توسعه هم کار می‌کنند هستند و به ویژه درباره رابطه دین و توسعه هم کار می‌کنند دعوت می‌کنم به آثار متفکران بزرگ مانند شهید مطهری، شهید بهشتی، آقا محمدباقر صدر، آقا موسی صدر و دیگر اسلام شناسان بزرگ مراجعه کنند. برداشت من از مطالعاتی که در میان آثار این اندیشه ورزان داشتم نشان می‌دهد درخشان‌ترین بحث‌ها را در این زمینه از موضع اسلامی آیت‌الله شهید بهشتی ارائه کرده‌اند که من به این مناسبت یاد ایشان را گرامی می‌دارم و همه ایران دوستان و دینداران

را دعوت می‌کنم مطالعه آثار ایشان را هم در دستور کار قرار دهند. ایشان جامعه نابرابر ساز را تعبیر به لجن می‌کنند. مومنی درباره تعبیر بسیار تکان‌دهنده شهید بهشتی گفت: ایشان اینک می‌گویند: «در جامعه‌ای که نابرابر ساز هست اگر ظاهر سازانه و ظاهر گرایانه در سراسر این سرزمین هم آیات قرآن را بنویسید و پخش و پهن کنید چیزی از لجن بودن مناسبات حاکم بر این جامعه کم نخواهد کرد.»

در این زمینه نکته‌های بسیار فوق‌العاده‌ای را مطرح می‌کنند درباره اینک اگر مسأله نابرابری‌های ناموجه و در نتیجه مسأله عدالت اجتماعی به اندازه اهمیتی که دارد در مرکز توجه تصمیم‌گیران کشور نباشد.

ایشان می‌فرماید: «آن جامعه از تمام کارکردهای مناسبات عادلانه محروم خواهد شد و به‌طور مشخص حیاتی‌ترین مسأله را اثرات فقر و نابرابری روی اندیشه انسان‌ها می‌دانند و می‌فرماید: «جامعه ناعادلانه و نابرابر ساز جامعه‌ای است که در آن هرج و مرج فکری حاکم می‌شود. افراد تربیت می‌شوند برای اینکه انتظار پاداش‌های بدون عمل داشته باشند و استفاده ابزاری از دین به طرز فاجعه آمیزی گسترش پیدا می‌کند.»

وی گفت: شهید بهشتی می‌گوید: فکر نکنند ماجرای نابرابر سازی‌های نظام‌وار را با رویکرد صدقه محوری می‌توان حل و فصل کرد. تعبیری که ایشان در کتاب بی‌بديل بانکداری ربا و مسائل مالی در اسلام دارد اینک می‌فرماید: «رویکرد صدق‌های به حل و فصل مسأله فقر و نابرابری در واقع هم زایده بدترین نوع اقتصاد حاکم هست و هم دایماً آن را استمرار می‌بخشد.»

بنابراین یک رکن بحث این است که ما باید دانسته‌های خودمان را در این زمینه افزایش دهیم و به مناسبت بحث امروز تقریباً متخصصان توسعه عادلانه اتفاق نظر دارند هیچ عنصری به اندازه نابرابری‌های ناموجه نقش در ایجاد و گسترش و تعمیق فقر ندارد.

وی گفت: نکته بسیار حیاتی دیگر اینک باز درباره آن هم اتفاق نظر وجود دارد، این است که هیچ عنصری به اندازه سیاست‌های اقتصادی نادرست در گسترش و تعمیق فقر و نابرابری‌های ناموجه مؤثر نیست. به نظر شاید یکی از شاه بیت‌های کار درخشان و ممتاز توماس پیکتی به عنوان «سرمایه در قرن بیست و یکم»

این است که می‌گویند: «ژست‌هایی که حکومتگران می‌گیرند را کنار بگذارید و به واقعیت‌های محرز شده توجه کنید. مهم‌ترین واقعیت محرز شده در عرصه مدیریت توسعه اینک مهم‌ترین نقش دولت تعیین قواعد اصلی بازی

بتوانیم با کمترین هزینه و با توسعه‌گراترین و انسانی‌ترین شکل ممکن از این بحران عبور کنیم.

من صمیمانه عرض می‌کنم اگر این اتفاق‌ها بیفتد و باب‌های مفت خواری غیر متعارف بسته شود شاهد خواهید بود نه تنها بر کرونا غلبه می‌کنیم بلکه تحریم‌کنندگان ایران اگر بدانند تحریم آنها مانند کرونا باعث شده ما از ریل غلط اداره اقتصاد کشور روی ریل توسعه‌گرا بیفتیم تردید ندارم آنها در تحریم‌ها تجدیدنظر خواهند کرد و آنگاه ما می‌توانیم چشم‌انداز بسیار روشن‌تری را برای آینده کشور تصور کنیم. از نیمه اول دهه ۱۹۸۰ به عنوان جمع‌بندی کل ذخیره دانایی موجود بشر در زمینه توسعه گفته شد که گام نخست برای برون رفت از بحران‌های فقر و عقب ماندگی و توسعه نیافتگی در کشورهای در حال توسعه این است که سیاست‌گذاران کشور تکلیف خودشان را با این مساله روشن کنند که کانون اصلی گرفتاری‌های خود را چه می‌دانند؟ آیا کمبود منابع اعم از ارز، ریال و منابع مادی است؛ یا نظام تصمیم‌گیری ناکارآمد و ایجادکننده ساختار نهادی کژ کار کرد راریشه‌های اصلی گرفتاری‌های ما می‌دانند؟

مطالعات بسیار ارزشمندی در وزارت کار و امور اجتماعی شده که درباره نقش تحریم‌ها در اشتغال زدایی هم صحبت کرده است. در واقع در این گزارش روی ابعاد اشتغال زدایانه و تولید زدایانه کرونا که بسیار قابل اعتناء هست صحبت شده است. دعوت می‌کنم تا باب گفت‌وگوهای کارشناسی سطح بالا در مقیاس درون حکومت و با مردم در این باره باز شود.

اینها فقط عوارض فقرزا و نابرابری است که بر اثر کرونا با آن روبه‌رو خواهیم شد. در وزارت کار، امور اجتماعی و غیره مطالعه‌هایی وجود دارند که نشان می‌دهند در موج قبلی تحریم‌ها که سال ۹۰ و ۹۱ کلید خورد فقط در سال ۹۰ و ۹۱ بر اثر بازگشت تحریم‌ها حدود پنج میلیون نفر به فقرا اضافه شده است.

برآوردهایی که در وزارت کار وجود دارد نشان می‌دهد دوباره در موج نقض برجام توسط امریکا و برگشت دوباره تحریم‌ها هم فقط در سال اول چیزی حدود دو میلیون نفر دوباره به زیر خط فقر می‌افتند و این مسیر شکنندگی آور همچنان استمرار دارد و هر سال که جلوتر می‌رویم بدتر می‌شود.

مهم‌ترین نکته‌ای که در مطالعه‌های قبلی وزارت کار درباره آثار فقرزا و نابرابری است تحریم وجود دارد و حشمت‌اکثرین قسمت قضیه است اینکه فقر خوراکی که شدیدترین شکل شناخته شده فقر در دنیا است با یک آهنگ رشد نگران‌کننده‌ای افزوده می‌شود.

اساسی اینکه هیچ عنصری به اندازه نابرابری‌های ناموجه نیروی محرکه گسترش و تعمیق فقر نیست. در مطالعه‌ای که به مناسبت آماده شدن برای این جلسه داشتیم آن چیزی که برای من خیلی شگفت‌انگیز بود این است که سال گذشته از برنده جایزه نوبل کتابی تحت عنوان «فقر احقر می‌کند» به زبان فارسی ترجمه شد و در آنجا با جزییات به شکل خیلی بدیعی نشان داده بود مهم‌ترین قسمت فاجعه ساز عنصر فقر اینکه اندیشه‌ها و ذخیره دانایی جامعه را دچار کژ کار کردی می‌کند و از کارکرد می‌اندازد. من دیدم شاید نزدیک به پنجاه سال با بیشتر قبل از آن جرج اورول هم به این جنبه توجه کرده بود.

او می‌گوید: «اولین تأثیر یا شاید مهم‌ترین تأثیر فقر کشتن فکر و اندیشه است.» بعد ادامه می‌دهد: «اگر شما به اندازه کافی برای حیات پول نداشته باشید در عمل برده بی‌اختیار پول خواهید شد.» در آنجا می‌گوید: «در واقع چنین مناسباتی انسان‌ها را از همه ویژگی‌های به معنای دقیق کلمه انسانی خودشان جدا می‌کند.»

ماجرای این است که راه‌حلهایی که اکنون طیف نئوکلاسیک‌های وطنی می‌دهند و مانند کل سی ساله گذشته توسط دولت‌ها با کوتاه نگرایی پذیرفته می‌شود. بدین معنا دولتی که به صورت نظام‌وار ملاحظه‌های دور مدت را قربانی ملاحظه‌های کوتاه نگرانه می‌کند آنها را می‌پسندد. رویه‌هایی که آنها توصیه می‌کنند درآمدزایی‌های فاجعه ساز است.

در حالی که کرونا به مثابه یک فرصت می‌تواند از این زاویه مورد توجه قرار بگیرد که به جای درآمدزایی‌های فاجعه‌ساز دولت را به سمت درآمدسازی‌های توسعه آفرین هدایت کنیم. اکنون ما مطالعه‌ای را در اختیار داریم که خیلی تکان دهنده است.

در این مطالعه پیش‌بینی شده تا پایان تابستان سال ۱۳۹۹ اندازه سپرده‌های سرمایه‌گذاری دور مدت بانکی از مرز دو هزار هزار میلیارد تومان عبور خواهد کرد. ویژگی مهم سپرده‌ها این است که با وجود اینکه بخش‌های بزرگی از سیستم بانکی تبعیت نمی‌کند حتی اگر تبعیت هم کند حداقل بابت این باید بهره ۱۵ درصدی دریافت کنند که ما می‌دانیم متأسفانه به خاطر حاکمیت زدایی در بازار پول بر اثر برنامه تعدیل ساختاری بخش بزرگی از تصمیمات مقام پولی مورد اعتنای بانک‌ها به ویژه بانک‌های خصوصی قرار نمی‌گیرد.

ما مزیت داریم نسبت به کشورهایی که قبلاً نظام مالیاتی خود را کارآمد کردند که اکنون از این ظرفیت‌های توسعه‌گرا در جهت بازنگری بنیادی سیستم استفاده کنیم و ان شاءالله

اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است که آن هم از طریق وضع قوانین و مقررات صورت می‌گیرد.» بعد می‌گوید: «باید دایماً به آنها گوشزد کرد اگر شما می‌فهمید که فقر و نابرابری جامعه را چقدر شکننده می‌کند باید دانسته باشید هر قانونی پیامدهای توزیعی خاص خودش را دارد و به ضرر کسانی تمام می‌شود.»

بنابراین به تعبیر او: «هر سیاستی که حکومت در هر حیاط‌های اتخاذ کند که البته اولویت و از نظر ضریب اهمیت با سیاست‌های اقتصادی است؛ مهم‌ترین آثار هر سیاست پیامدهای توزیعی آن هست.» بنابراین اینکه ما تا این حد از حکومت می‌خواهیم راه باز کند برای اینکه امکان ارتقاء بنیه اندیشه‌های آنها فراهم شود و هم این امکان فراهم شود که در عمل یک ارتقاء کیفیتی حاصل شود تا بتوانیم آثار ملموس و نجات‌دهنده آن را احساس کنیم حد و حدودش بهتر درک می‌شود. به همین قیاس به نظرم ما می‌توانیم درباره مساله فقر صحبت کنیم.

وی گفت: برای اینکه متوجه شویم چه اوضاع و احوالی در این زمینه وجود دارد حتی اگر کرونا و تحریمی در کار نبود من فکر می‌کنم مطالعه مجموعه میراث اندیشه‌ای که در اختیار ما هست می‌تواند خیلی کمک کند. در اینجا من از حکمت شماره ۳۱۹ نهج البلاغه بهره می‌گیرم که در آنجا مولا (ع) خطاب به محمد حنفیه می‌فرماید: «من از تهی دستی بر تو بی‌مناک هستم.»

بعد آنجا می‌گوید: «از فقر به خدا پناه ببر چرا که تهیدستی سه کارکرد بسیار تکان دهنده از دیدگاه ایشان دارد.» در عریض قبلی من به شکلی گفته شد در این زمینه در میان متفکران توسعه اجماع وجود دارد و علی ابن ابی‌طالب (ع) خطاب به پسرشان این‌گونه می‌فرماید: «چه در درون و چه در بیرون جامعه فقر نیروی محرکه ایجاد دشمنی‌ها است. دوم اینکه فقر دین را ناقص می‌کند و سوم اینکه فقر عقل را سرگردان می‌کند.» شاید برای شما جالب باشد چند صد سال بعد از آن اقتصادشناسان بزرگ و متفکران غیر اقتصاددان هم در این زمینه نکته‌هایی را مطرح می‌کنند که واقعاً تکان دهنده است و البته برای ما نوعی اعتماد به نفس نسبت به نظام باورهایمان به بار می‌آورد.

مومنی به بیان دیدگاه‌های جان کنت گالبرایت در این زمینه پرداخت و با اشاره به اینکه او یکی از بزرگ‌ترین و مطرح‌ترین اقتصادشناس‌های توسعه در قرن بیستم محسوب می‌شود، گفت: گالبرایت می‌گوید: «قوی‌ترین و عمومی‌ترین به معنای فراگیرترین مصیبتی که بشر در طول تاریخ با آن روبه‌رو شده مساله فقر است و مساله